

نقش سیاسی - اجتماعی مادران اهل بیت علیهم‌السلام

از دوران امام هادی علیه‌السلام تا عصر غیبت صغری

دکتر شهربانو دلبری *

زهر ازحمتکش **

چکیده

زنان و مردان پرهیزگار خاندان اهل بیت علیهم‌السلام همواره الگوهایی برای مسلمانان هستند. عده‌ای از این زنان نزدیکی بیشتری به اهل بیت علیهم‌السلام و ائمه علیهم‌السلام داشتند چه در نقش مادر یا خواهر یا فرزند یا همسر. در این راستا زنان ائمه که خود گاه به شرف و افتخار مادران ائمه علیهم‌السلام بعدی تبدیل می‌شدند، از جایگاه والایی برخوردار بودند. در این مقاله به واکاوی سه تن از همسران و مادران از آخرین ائمه علیهم‌السلام شیعه که کنیز بودند پرداخته می‌شود. بانو سمانه مادر امام هادی علیه السلام، بانو حدیث مادر امام حسن عسکری علیه السلام و بانو نرجس مادر امام زمان علیه‌السلام که در دوره‌ای از تاریخ سیاسی جهان اسلام یعنی قرن‌های سوم و چهارم هجری می‌زیستند و نقش عمده‌ای در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی ائمه زمان خود داشتند.

واژگان کلیدی: مادران ائمه علیهم‌السلام، سمانه علیها‌السلام، حدیث علیها‌السلام، نرجس، نقش

سیاسی - اجتماعی مادران اهل بیت علیهم‌السلام.

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد E-Mail: Tarikh-2003@yahoo.com

** کارشناس مسئول پژوهش مدرسه عالی خواهران جامعه‌المصطفی‌العالمیه نمایندگی مشهد، E-

Mail: z.zahmatkesh1@yahoo.com

و دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، (رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش

تاریخ و تمدن ملل اسلامی).

مقدمه

زنان در تاریخ نهضت‌های توحیدی، دوشادوش مردان در جهت براندازی موانع رشد و تعالی، به جهادی پی‌گیر، بی‌امان، همه‌جانبه و خستگی‌ناپذیر دست زدند. از میدان خودسازی گرفته تا ساختن نسلی شایسته و پدیدآوردن جامعه و تمدن مطلوب، به منظور رسیدن به آرمان‌های والا، همواره هم‌شأن و همتای مرد و در کنار او؛ و گاه در این راه از مردان پیش‌تر و چابک‌تر، گام برداشته‌اند. در این میان، بانوانی که تربیت یافته خاندان عصمت و طهارت‌اند و خود از دامان این خاندان تولد یافته و بالیده‌اند؛ درخشندگی و نورافشانی خاصی دارند.

مکتب حیات بخش اسلام در محیط جهل، اختناق، تبعیضات ناروا و نابرابری شکننده آن روز بشریت، با شعار و ایده نوین وارد صحنه کارزار گردید. یکی از تبعیضات ناروای آن روزگار، مسئله برده‌داری و برده بود.

پیامبر اسلام ۷ از همان ابتدا، راه‌های مختلفی را برای آزادی بردگان ایجاد کردند، مانند ثواب‌های فراوان برای آزادی آن‌ها و کفاره گناهیانی چون افطار روزه ماه رمضان و شکستن عهد و نذر، که مفصل بیان شده است. بعد از پیامبر ﷺ، امامان معصومین ﷺ نیز از هر راه ممکن جهت آزادسازی بردگان استفاده نمودند. در همین راستا، ازدواج ائمه معصومین ﷺ با کنیزان یک مبارزه عملی بود با قانون برده داری.

برخی از مادران گرامی ائمه معصومین ﷺ کنیز بوده‌اند؛ از جمله مادران امام هادی ﷺ، امام عسکری ﷺ و امام زمان ﷺ. به نظر می‌آید علت این کار آن بوده که امامان خواسته‌اند عملاً بفهمانند که میان آزاد و کنیز فرقی نیست. لذا آن بانوان بعد از دیدن تربیت اسلامی، دارای بزرگ‌ترین مقام شده‌اند و عده‌ای از حجج خداوند از دامن آن‌ها به دنیا آمده‌اند.

در رابطه با نقش‌های سیاسی - اجتماعی مادران ائمه اطهار ﷺ، باید به این نکته توجه داشت که جو حاکم در زمان ائمه معصومین ﷺ و اختناق و فشارهای سیاسی موجود، حتی عرصه را برای حضور سیاسی خود امام چنان تنگ می‌کرد که مجبور بود به «تقیه» روی آورد و یا برای مصلحت‌اندیشی و حفظ اصل اسلام و نظام اسلامی، دم فرو بندد و از فعالیت‌های

سیاسی برای مدتی دست بردارد و یا مخفیانه به فعالیت بپردازد. در چنین شرایطی، مخفی بودن و استتار فعالیت‌های مادران و همسران آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

پرسش اصلی این مقاله آن است که بانوان فوق با آن که در ابتدا برده بودند چه جایگاه و نقشی در خانواده و اجتماع زمان خویش داشته‌اند؟ سمانه مادر امام هادی علیه السلام، حدیث مادر امام حسن عسکری علیه السلام و نرجس مادر امام عج الله فرجه زنان پاکدامن و با تدبیری بودند که توانستند در جوّ خفقان عباسیان با شهامت به حفظ حریم اهل بیت علیهم‌السلام نائل آیند و نشان دهند که کنیزان نیز می‌توانند به مقامات بالایی برسند.

بررسی زندگی مادران اهل بیت علیهم‌السلام که شایستگی و لیاقت مادر بودن معصومین را داشته‌اند، می‌تواند برای همه‌ی انسان‌ها و در همه‌ی اعصار به ویژه برای بانوان و مادران مسلمان و حتی غیرمسلمان الگویی کامل و مناسب بوده و بکارگیری خصوصیات اخلاقی، در رفتارهای اجتماعی و خانوادگی آن‌ها بسیار تأثیرگذار و سرنوشت ساز باشد.

بانو سمانه علیها‌السلام مادر امام هادی علیه‌السلام

از آنجایی که بررسی جایگاه شخصیت‌ها در هر مقام و جامعه‌ای بدون شناخت وضعیت آن جامعه مقدور نمی‌باشد لذا، پیش از آن که به معرفی شخصیت مادر امام هادی علیه‌السلام بپردازیم می‌بایست به اوضاع سیاسی و اجتماعی عصری که ایشان در آن زمان می‌زیست، به اختصار پرداخته شود.

شرایط سیاسی عصر بانو سمانه علیها‌السلام:

حکومت عباسیان از سال ۱۳۲ هجری زمام امور مسلمانان را در دست داشت. این حاکمان سنی با علویان ارتباط خوبی نداشتند. چنانکه بسیاری از آنان را از جمله ائمه شیعه مورد ظلم و آزار آنان قرار داشتند. عباسیان، علویان را منازع بزرگی برای قدرت خود می‌دانستند.

گسترش ظلم؛ بیدادگری و خودکامگی و غارت بیت‌المال و صرف آن در خوش گذرانی‌ها؛ افزایش هوسرانی درباریان؛ نابودی هیبت و عظمت خلافت، از جمله ظلم‌هایی بود که جان مردم را به لب رسانده بود و هر اعتراضی به شدت سرکوب می‌شد.

حکومت و خلافت در دوره اموی و (تا این زمان) عباسی هیبت و جلالی داشت؛ اما از دوره معتصم به بعد که وی غلامان ترک را وارد دستگاه خلافت کرد، به سرعت بر اثر تسلط ترکان و قدرت آنان، جلال و هیبت حکومت از بین رفته و خلیفه در عمل، یک مقام تشریفاتی بیش نبود؛ البته در عین حال، هرگاه خطری از جانب مخالفان احساس می‌شد، خلفا، اطرافیان و عموم کارمندان دستگاه خلافت در سرکوبی آن نظر واحدی داشتند.

در این دوره، نهضت‌های زیادی صورت گرفت؛ از جمله در فاصله سال ۲۱۹ تا ۲۷۰ قمری تعداد هیجده قیام ضبط شده است. البته این قیام‌ها از جانب دستگاه خلافت به شدت و بی رحمانه سرکوب می‌شد. بسیاری از این انقلاب‌ها مورد تأیید امامان قرار نمی‌گرفت؛ زیرا یا صد در صد اسلامی نبود و در اهداف آنها و رهبران شان انحراف‌هایی مشاهده می‌شد و یا طراحی و برنامه ریزی آنها طوری بود که شکست آنها به سادگی پیش بینی پذیر بود که اگر آشکارا آنها را تأیید می‌کرد اساس تشیع و امامت و هسته اصلی نیروهای شیعه در معرض خطر قرار می‌گرفت (طبری، بی‌تا؛ ج: ۵، ۱۵۰).

تا قبل از آن که متوکل بر سر کار آید، سیاست مأمون تا حدودی دنبال می‌شد؛ این سیاست، حمایت از معتزله بود؛ حمایتی که به خودی خود، فضا را برای شیعه و نیز علویان هموار می‌کرد. با آمدن متوکل، مجدداً سخت‌گیری آغاز شد و با حمایت از اهل حدیث و (برانگیختن آنها) علیه معتزله و شیعه، سرکوبی این دو گروه به شدت دنبال گردید.

متوکل، آن چنان نسبت به حضرت امام هادی (علیه السلام) و خاندانش، کینه و عداوت داشت که اگر آگاه می‌شد کسی به آن حضرت (علیه السلام) علاقه‌مند است، اموال او را مصادره و خود او را به هلاکت می‌رساند؛ از این رو حضرت (علیه السلام)، فعالیت‌های خود را به صورت سری انجام می‌داد و در مناسبات خود با شیعیان، نهایت پنهان کاری را رعایت می‌کرد. این شرایط بحرانی باعث شد تا حضرت از طریق شبکه ارتباطی و کالت و تعیین نمایندگان و کارگزاران در مناطق مختلف

با آنها ارتباط برقرار کند تا بدین وسیله هم نیازهای دینی آنها را پاسخ گوید و هم با جمع آوری خمس، زکات، نذورات و هدایا، مصالح بندگان را در مناطق مختلف در نظر گرفته و مقاصد دین را در حد امکان بر پای دارد.

متوکل برای جلوگیری از نفوذ امام (ع) در مدینه، حضرت را با خانواده به سامرا دعوت کرد تا به طور مستقیم و پیوسته تحت نظر باشد. با این همه مراقبت‌ها باز هم وجود امام (ع) را برای حکومت خود خطری جدی می‌دانست و می‌ترسید یاران و پیروان امام (ع)، مخفیانه با او تماس گیرند و برای قیام و شورش، نقشه‌ای طرح کنند و برای زمینه سازی، جهت این کارها پول و سلاح جمع آوری کرده، افرادی را آموزش دهند؛ لذا هر چند یک بار دستور می‌داد خانه امام (ع) را به دقت مورد بازرسی و تفتیش قرار دهند، گرچه مأموران هر بار دست خالی برمی‌گشتند؛ اما وی پیوسته نگران بود و احساس خطر می‌کرد. در نهایت، متوکل تصمیم گرفت امام (ع) را به شهادت برساند، ولی خدا به او مهلت نداد و در بستر خود مورد حمله ترکان قرار گرفت و کشته شد؛ آن‌گاه امام (ع) از دست وی رهایی یافت. شایان ذکر است که امام (ع)، هلاکت وی را پیش‌گویی کرده بود (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳۳۰).

امام هادی (ع) پس از عمری محدودیت بدون سازش با ستم‌گران، سرانجام به دستور معتز، مسموم گردید و در سال ۲۵۴ هجری به شهادت رسید و در سامرا در خانه خود به خاک سپرده شد.

نقش سیاسی - اجتماعی بانو سمانه

سیره نویسان و محدثان درباره نام مادر امام علی النقی (ع)، اختلاف فراوان دارند. نام او را سمانه مغربیه (ع)، سوسن و ماریه قبطیه نوشته‌اند. از مادر امام علی النقی (ع) به عنوان باتقواترین بانوان عصر خود یاد کرده‌اند. تنها لقبی که برای آن بانوی گرامی ذکر شده، سیده (به معنای بانوی بزرگ عصر خود) می‌باشد (ابن ابی الفلج، ۱۴۰۶: ۲۵).

در اعلام النساء المؤمنات آمده است: سمانه مغربیه^۱، مادر امام هادی (ع)، معروف بود به «سیده» و کنیه وی «ام الفضل» بود (محمد بن سعد، ۱۴۱۰: ج ۸، ۸۷). او از بهترین زنان عصر

خود، بلکه با فضیلت‌ترین آن‌ها، بود و هیچ کسی مانند او در زهد و تقوا نبود. او در بیشتر روزها، روزه مستحبی می‌گرفت. خداوند نیز به او شرافت بخشید؛ زیرا او را مادر امامی معصوم (ع) قرار داد (کحاله، ۱۴۰۴: ۴۴۸).

سمانه (ع) ام ولد بود؛ ام ولد به کنیزی گفته می‌شد که از صاحب خود باردار می‌گردید. اگر کنیزی از صاحب خود باردار می‌گردید، پس از مرگ صاحب خود، آزاد می‌شد چون دارای فرزند است و فرزند نمی‌تواند مالک مادر گردد. مادر برخی از امامان (ع) ام ولد بوده‌اند. سابقاً در جهان برده وجود داشت. این برده‌ها مانند کالاها خرید و فروش میشدند. در میان این برده‌ها انسان‌هایی والا مقام یافت می‌شدند. امامان (ع) اینگونه برده‌ها را می‌شناختند. افرادی را می‌فرستادند تا آن برده‌ی مورد نظر را خریداری کنند. آن برده را می‌آوردند و امام (ع) مالک او می‌شد. از همین برده، انسان کاملی همچون امام هادی (ع) به دنیا می‌آید. البته برای برده، مایه‌ی خرسندی است که تا این حد مورد توجه مالک خود گردد چون برای برده دست کم دو نفع بزرگ دارد: یکی اینکه علاقه مولا به او زیاد می‌گردد و دومی اینکه آزادی او تضمین می‌شود.

امام جواد (ع) با کنیزی که محمد بن فرج برای آن حضرت خریده بود، ازدواج نمود. تاریخ ازدواج امام جواد (ع) با سمانه (ع) معلوم نیست. امام هادی (ع) ثمره این ازدواج با برکت بود. آن حضرت (ع) برای تهذیب و تربیت همسر خود، که با مفاهیم اسلامی آشنا نبود، وی را در کنار دختران پیامبر - این اسوه‌های عفت و طهارت - قرار داد و خود عهده دار تعلیم وی گشت. سلوک روحی و جاذبه امام هادی (ع) و زنان حرم، آن چنان نیرومند و پرجذبه بود که به تدریج از این کنیز، پارسایی شب زنده دار، صالح و قاری قرآن ساختند. این زن شایسته، نتیجه تهجد و تلاوت شبانه خود را دید و به بالاترین مرتبه افتخار دست یافت؛ زیرا افتخار مادری امامی از امامان (ع) شیعه و سروری از سروران مسلمین را کسب کرده بود. او عضوی از خاندانی گشته بود که خداوند آنان را پناهگاه بندگان و کشتی نجات قرار داده بود (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۲).

به هر حال، وی از مقام معنوی والایی برخوردار بوده و در دوارن زندگی امام هادی علیه السلام، چه در مدینه و چه در سامرا با آن حضرت همراه و همدل بوده است. از نقش سیاسی - اجتماعی او، به طور اختصاصی گزارشی یافت نشده است، اما با بررسی اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر امام هادی علیه السلام و فشارهای روانی دستگاه خلافت عباسی بر خاندان اهل بیت علیهم السلام، که بارزترین آن‌ها در تبعید امام علیه السلام به سامرا دیده می‌شود و نیز برخوردهایی که دستگاه خلافت با امام جواد علیه السلام داشت و وضعیت نامناسب درون خانه امام با حضور ام‌الفضل، دختر مأمون به عنوان همسر امام جواد علیه السلام، و مکر و نیرنگ درباریان و نفوذ مستقیم آنان به حرم امام معصوم علیه السلام، می‌توان نقش مهم این بانو را در خانه امام جواد علیه السلام و پس از آن در کنار امام هادی علیه السلام ترسیم نمود. بازداشت‌های مکرر امام هادی علیه السلام و اختناق موجود در عصر متوکل، برای این بانو نیز مانند دیگر اعضای خانواده حضرت، مشکلاتی به وجود می‌آورد. (طیبی، مجله بانوان شیعه، ۷-۳۲).

امام هادی علیه السلام در محیط علم، ادب، اخلاق و پرهیزکاری پرورش یافت؛ در خانه و دامان پیشوایی بزرگ و مادری پاکدامن و مهرورز؛ حضرت هادی علیه السلام درباره مادرش فرمود: «مادر من دانا و عارف به حق من است. او از اهل بهشت است. او بانویی است که شیطان سرکش به او نزدیک نشد. مکر و نیرنگ ستمکاران جور پیشه او را در نیابد. او زیر نظر توجه و الطاف خدایی که خواب ندارد، محافظت شده است.» (الشامی، ۱۴۲۰: ۴۱۲).

بانو حدیث^۱ مادر امام حسن عسکری^۲

حدیث علیه السلام (حدیثه، حریبه، سلیل، سوسن) مادر امام حسن عسکری علیه السلام از جمله شخصیت‌هایی بود که نقش اساسی و مهمی در جریانات سیاسی روزگار خود داشت و به لقب «جده» معروف بود؛ چون جدّه حضرت حجّت علیه السلام بود، اما فقط جدّه بودن ایشان سبب شهرت وی نشد، بلکه ایشان مقامی بسیار بزرگ داشت و در نهایت تقوا و ورع زندگی می‌کرد و بانویی عالم و محدث بود. (المالکی، ۱۳۷۵: ۲۸۴).

امام هادی (علیه السلام) درباره او فرمود: «سلیل (علیه السلام) از بدی‌ها و زشتی‌ها و ناپاکی‌ها و آلودگی‌ها پاک است». (مفید، ۱۳۸۰: ۶۵۰) امام عسکری (علیه السلام) او را وصی خود قرار داد و آن بانو دارای مسئولیت نیابت گردید.

«حدیث (علیه السلام)» مادر امام عسکری (علیه السلام) با زندگی و مبارزه خود در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و اتخاذ شیوه‌های مدبرانه، توانست از حریم ولایت و امامت دفاع نماید.

۱-۲. شرایط سیاسی عصر بانو حدیث

این بانوی بزرگوار از زمانی که وارد خانه امامت شد (یعنی پیش از سال ۲۳۲ ق. که به نقلی، میلاد امام حسن عسکری (علیه السلام) فرزند اوست) با مشکلات و فشارهای روانی و سیاسی متعددی، که از سوی دستگاه خلافت بر بیت امام (علیه السلام) وارد می‌شد، مواجه گردید که بارزترین آنها را می‌توان در تبعید امام هادی (علیه السلام) به سامرا مشاهده نمود.

یکی دیگر از برخوردهایی که دستگاه خلافت با آن حضرت داشت به دوران متوکل برمی‌گردد. او با شیعیان بسیار مخالف بود و رسماً از ذریه حضرت علی (علیه السلام) و شیعیان آن حضرت (علیه السلام) اظهار انزجار و تنفر می‌کرد و هر کسی را که به او نسبت طرفداری و دوستی حضرت علی (علیه السلام) و خاندان آن حضرت (علیه السلام) می‌دادند نابود و مالش را مصادره می‌کرد (کلینی، ۱۳۷۹: ج ۱، ۵۳۰).

متوکل در پی بدبینی‌هایی که از امام هادی (علیه السلام) در مدینه شد، آن حضرت (علیه السلام) را از مدینه به سامرا فرا خواند. در این سفر، حدیث (علیه السلام) همراه و همدل آن حضرت بود. امام هادی (علیه السلام) به همراه حدیث و فرزندشان امام حسن عسکری (علیه السلام) که کودکی خردسال بود، به همراه یحیی بن هرثمه، در سال ۲۳۴ ق. وارد سامرا شد و تا پایان عمر خویش (بیش از بیست سال) در این شهر به سر برد.

در طی این دوران، ایشان با مشکلاتی مانند اختناق موجود عصر متوکل، بازداشت‌های مکرر و هتک حرمت مواجه بود؛ چنانکه به دستور متوکل بارها سربازان و مأموران ناپهنگام و

غافل‌گیرانه به منزل امام علیه السلام حمله برده و خانه ایشان را مورد بازرسی قرار می‌دادند (صدوق، ۱۳۷۸: ۴۳). بازداشت‌های مکرر و شهادت امام هادی علیه السلام طبعاً برای حدیث علیه السلام بسیار ناگوار بود و مشکلاتی را به همراه می‌آورد. اما این مشکلات نه تنها او را منفعّل نمود، بلکه با حضوری مؤثر در حوادث و جریانات سیاسی این دوران، بازوی همسر انقلابی خود بود.

۲-۲. نقش سیاسی - اجتماعی بانو حدیث:

خطرهایی که بر سر راه زنان و مادران رهبران بزرگ وجود داشت کمتر از مخاطره‌های موجود بر سر راه رهبران جامعه نبود و با یک تصویر ذهنی از موقعیت این‌گونه مردان، می‌توان به وضعیت زنان آنان نیز پی برد. افزون بر آن، در خانه‌ای که ملجأ و پناه بود و اسرار در آن بیان می‌گردید، باید زنان این خانه نیز محرم اسرار بودند و به طور پنهانی به فعالیت‌های سیاسی خود می‌پرداختند (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۴: ۱۸۵).

به هر حال حدیث علیه السلام علاوه بر نقش تربیتی و پرورش فرزندی همچون امام حسن عسکری علیه السلام و بر حسب تعلیمات امام دهم علیه السلام بر طبق آموزش و پرورش مکتب نبوت بود، به مبارزه نیز پرداخت و حتی ممکن است به خاطر جنسیتش، که کمتر موجب حساسیت سیاسی می‌شد، در موارد مهم و مخاطره‌آمیز از وجود او استفاده شده باشد مانند سپردن امام زمان علیه السلام به او و رهسپار شدنش به مکه در دوران امام حسن عسکری علیه السلام.

این بانوی ارجمند زمانی که در مدینه می‌زیست زنان بزرگ عرب و مشایخ علما در محضر او جمع می‌شدند و از وی کسب فیض می‌کردند (محلّاتی، ۱۳۶۸: ج ۳، ۲۴).

بنابر گزارش‌های تاریخی و روایات، امام حسن عسکری علیه السلام پیش از شهادت، روزی با مادر خویش، حدیث علیه السلام، دربارهٔ وقایع سال ۲۶۰ق. و شهادت و مسموم شدنش سخن گفت و او را از اخبار و رویدادهای آن سال آگاه کرد.

سپس مهدی موعود (ع) را به او سپرد تا از سامرا خارج کند و برای سفر حج به مکه برود، پس از آن حدیث (ع) و نواده‌اش تحت حفاظت احمد بن مطهر، یار صمیمی و نزدیک امام عسکری (ع) به مکه رفتند.

با توجه به اوضاع سال‌های ۲۹۵-۲۶۰ ق. بدون شک سفر حج این بانو که به امر امام (ع) صورت گرفت تنها یک سفر عبادی و معنوی نبود، بلکه برای حفظ جان ولی خدا، حضرت بقیةالله الاعظم (ع) از آسیب و خطر دشمنان بود. پس از برگزاری مناسک حج، حدیث به مدینه عزیمت کرد و آنجا را محل اختفای امام دوازدهم (ع) قرار داد (صدوق، ۱۳۷۸: ۱۷۸).

وی هر روز از اخبار عراق جويا می‌شد تا اینکه اطلاع یافت فرزندش امام حسن عسکری (ع) در سامرا از دنیا رفته است. از این رو از مدینه به سامرا بازگشت.

همین که خبر بیماری امام یازدهم (ع) را به معتمد گزارش دادند، طیب نزد آن حضرت فرستاد و چند تن از معتمدان خود و چند نفر از قضات از جمله حسین بن ابی الشوراب (قاضی القضاة) را به خانه امام روانه نمود و دستور داد پیوسته ملازم وی و مراقب اوضاع داخلی منزل باشند، این وضع ادامه داشت تا اینکه امام (ع) به شهادت رسید. (۲۶۰ ق) پس از این حادثه، خانه امام عسکری (ع) به دستور خلیفه معتمد بررسی دقیق شد و همه چیز مهر و موم گردید.

پس از آن تلاش‌های پیگیرانه‌ای برای یافتن فرزندی از آن حضرت (ع) آغاز شد، حتی کنیزان حضرت نیز تحت نظر قرار گرفتند (التمیمی المغربي، بی تا: ۲۴۱).

از موارد مهم و مخاطره‌آمیز پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) و سال‌های آغازین غیبت، حفاظت از جان حضرت مهدی (ع) بود. امام حسن عسکری (ع) در دوران حیات خود بشارت تولد فرزند مبارک خود مهدی (ع) را از عامه پنهان نگه داشتند و جز چند تن از خواص و ارحام نزدیک، کسی را بر آن آگاه نساختند.

اینچنین بود که هنگام رحلت آن امام (ع) همام، جز همان افراد زبده و منتخب که محرم این سر الهی بودند، کسی از وجود فرزندی برای حضرت عسکری (ع) خبر نداشت (شریف رضی،

۱۴۰۶: ۳۷۲). اما بلافاصله پس از شهادت آن حضرت^ق، خواصّ اصحاب ایشان به ریاست عثمان بن سعید به جامعه شیعیان اعلام داشتند که امام^ق فرزندی از خود بر جای نهاده‌اند که جانشین ایشان و اکنون متصدی مقام رفیع امامت است. به گفته عثمان بن سعید، دلیل اخفای آن بزرگوار این بود که در صورت پدیدار شدن، به دست عمال حکومت به شهادت می‌رسید. به دلیل وجود حالت تقیّه در آن سال‌ها اطلاعات تفصیلی مربوط به آن حضرت^ق تا سال‌ها از عامه مردم مخفی نگه داشته می‌شد تا آنجا که حتّی در مورد تاریخ ولادت مبارک ایشان، اختلاف نظر فراوان به وجود آمد.

بنابر روایات و نقل‌های تاریخی، امام حسن عسکری^ق تنها حدیث را وصیّ خود قرار داد، با آنکه هم فرزند داشت و هم برادرش در قید حیات بود (قمی، ۱۴۰۴: ۴۸۲).

شیخ طوسی در کتاب الغیبه در این باره می‌نویسد: اگر کسی بگوید چگونه امام حسن عسکری^ق با این که فرزند داشت (امام زمان^ق) مادر خود را وصی قرار داد تا متولی موقوفات و صدقات او باشد. در جواب می‌گوییم: آن حضرت مادر خود را وصی قرار داد تا تولد فرزندش مخفی بماند. اگر آن حضرت از فرزندش نام می‌برد. غرض او که پنهان نمودن وجود نازنین فرزندش بود به هم می‌خورد. قبل از امام حسن عسکری^ق، امام صادق^ق نیز برای حفظ وجود فرزندش موسی بن جعفر^ق، حمیده بربریه را وصیّ خود قرار داده بود (طوسی، ۱۴۱۱: ۸۵).

شیخ مفید در کتاب «فصول العشره» پس از نقل ماجرای وصی قرار دادن حدیث از سوی امام^ق به ذکر دلایل عقلی و نقلی این کار می‌پردازد و از این حرکت به عنوان یک اقدام سیاسی یاد می‌کند.

پس از آنکه حدیث از مدینه به سامرا بازگشت، مشاهده نمود که جعفر - برادر امام حسن عسکری^ق - به دروغ ادعای ارث امام حسن عسکری^ق را می‌کند.

از این رو به عنوان تنها وصیّ امام حسن عسکری^ق نزد قاضی رفت و اقامه دعوی نمود در حالی که در این زمان جعفر ادعای جانشینی امام عسکری^ق را می‌نمود.

او یکی از فرزندان امام هادی^ق بود، ولی روشی برخلاف پدران گرامی‌اش در پیش گرفته بود. گفته شده: مخفی بودن ولادت حضرت مهدی^ق نیز به این امر کمک کرد.

از این رو، بعد از شهادت امام حسن عسکری^ق تمام اموال آن حضرت را تصاحب کرد. وی در این‌گونه اعمال خویش از سوی معتمد نیز حمایت می‌شد.

با مصادرة اموال حضرت امام حسن عسکری^ق بازماندگان امام^ق در وضعیتی بسیار اسفانگیز قرار گرفتند.

تا جایی که در آن شرایط، خانواده امام^ق نه مسکن مناسبی داشتند و نه خوراک و پوشاک و نه کسی جرئت می‌کرد دم از آشنایی با آنها بزند، زیرا اگر چنین می‌کردند دشمن سرسخت دولت قلمداد می‌شدند (مفید، ۱۴۱۴: ۴۶).

حدیث مادر حضرت عسکری^ق و حکیمه عمه^م محترمه ایشان - دختر امام جواد^ق - از وجود و امامت فرزند حضرت عسکری^ق هواداری می‌نمودند. شیعیان نیز در این ماجرا دو دسته شدند: یک گروه از جعفر و گروهی دیگر از حدیث مادر حضرت امام عسکری^ق پشتیبانی می‌کردند. در بحبوحه این شرایط ادعای وصایت حدیث نزد قاضی اثبات شد و بخشی از اموال آن حضرت^ق به وی داده شد. لازم به ذکر است که اموال امام، افزون بر خانه آن حضرت^ق شامل موقوفات و صدقات شیعیان نیز بود که باید صرف امور شیعیان می‌شد و آن حضرت^ق حدیث را لایق این مسئولیت دیده بود.

از دیگر وظایف و مسئولیت‌های حدیث پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات شیعیان بود. چنان‌که اشاره شد، پس از شهادت امام حسن عسکری^ق اوضاع شیعیان چنان بحران‌زده بود که به نقل مورخان و اندیشمندان، در زمان هیچ‌یک از ائمه^ب چنین وضعیتی پیش نیامده بود. در این بحران سیاسی و تحبیر و سرگستگی، حدیث مفزع و پناه شیعیان بود، چنان‌که طبق روایتی، احمد بن ابراهیم پس از شهادت امام حسن عسکری^ق نزد حکیمه^م، عمه آن حضرت، رفت و از اعتقاد او درباره امامت پس از امام حسن عسکری^ق پرسید.

حکیمه^{۱۱} پاسخ گفت که به حجّت بن الحسن^{۱۲} اقتدا می کند، وی از محل و شخصیت امام زمان^{۱۳} پرسید و سپس اظهار داشت، پس از شیعه به چه کسی پناه ببرد؟ حکیمه پاسخ داد: «به جدّه، مادر ابومحمد»، او گفت: آیا من به کسی اقتدا کنم که یک زن را وصی خود قرار داده است؟ حکیمه^{۱۴} با درایت و درک وسیع خود پاسخ داد: «به امام حسین^{۱۵} اقتدا کن که خواهرش زینب را وصی خویش قرار داد» (قندوزی، بی تا: ج ۳، ۳۲۵). این روایت از موقعیت و مقام والای حدیث^{۱۶} حکایت می کند.

اینکه یک زن در بحران سیاسی و تحیر و سرگستگی، پناه شیعیان باشد و رهبر جامعه او را وصی خود در امور مهم اقتصادی و دینی خویش قرار دهد، روشن است که از مقام والایی برخوردار بوده و نقش اجتماعی - سیاسی مهمی بر عهده داشته است. زیرا تا وقتی ظرفیت و توانایی های افراد آزموده نشود هرگز از سوی اولیای دین، مسئولیت ها و منصب های کلیدی به آنان واگذار نخواهد شد. این مسئولیت نشانه ظرفیت و توانایی بالای او بود که از سوی امام عسکری^{۱۷} و امام عصر^{۱۸} به عنوان وصی و پناه شیعه معرفی شد و به خوبی از عهده این مهم برآمد (میرخواند، ۱۳۸۰: ۹۸).

این بانوی بزرگوار پس از شهادت حضرت عسکری^{۱۹} مدتی در قید حیات بود، پس از آن در سامرا وفات یافت. سلیل^{۲۰} در آخرین لحظات عمر گرامیش، وصیت نمود که او را در جوار مزار شوهر بزرگوارش امام هادی^{۲۱} و فرزندش امام حسن عسکری^{۲۲} دفن نمایند. وقتی بازماندگان می خواستند به وصیت او عمل نمایند، جعفر گفت: این جا، خانه من است. اجازه ندارید کسی را این جا دفن نمایید. در این هنگام بود که حضرت مهدی^{۲۳}، نوه بزرگوار سلیل^{۲۴}، ظاهر شد و فرمود: جعفر، این خانه توست یا خانه من؟! این را گفت و از نظرها پنهان شد. سلیل^{۲۵} را کنار امام حسن عسکری^{۲۶} دفن نمودند (قطب راوندی، ۱۳۷۸: ۶۶۱).

بانو نرجس^{۲۷} مادر امام زمان^{۲۸}

در جنگ های قدیم، رسم بر این بود که وقتی شهر یا روستایی را فتح می کردند، مردان و زنان لشکر مغلوب را اسیر می نمودند و به عنوان برده در بازارها می فروختند. مادر امام زمان^{۲۹}

نیز از دخترانی است که همراه اسیران جنگی، از روم شرقی به عراق آورده شد و امام هادی^ق ایشان را خریداری نمود. نرجس^ن بعد از انتقال به شهر سامرا، در خانه ای پا گذاشت که در آن خانه، خورشید امامت، امام حسن عسکری^ق زندگی می کرد.

بعد از مدت کوتاهی، بنا بر تصمیم امام هادی^ق، نرجس به همسری امام حسن عسکری^ق مفتخر گردید. نتیجه این ازدواج، «حضرت امام زمان^ف» است؛ فرزندی که اکنون در پشت پرده غیبت به سر می برد و ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل، مهر و صفا خواهد نمود. مادر حضرت مهدی^ف از بانوان شایسته ای است که سه امام معصوم^ب (امام علی النقی^ق، امام حسن - عسکری^ق و امام مهدی^ف) را درک نمود (طبرسی نوری، بی تا: ۱۲). ایشان را نرجس، ریحانه، حکیمه، سوسن و صیقل [یا صقیل] نیز می گفتند. درباره فضیلت و منزلت نرجس^ن، روایات گوناگونی وارد شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵). پیامبر^ت و امیرالمؤمنین^ق و امام صادق^ق او را بهترین کنیزان و سیده آنها خوانده اند. آنچه اهمیت دارد این نکته است که آن بانوی بزرگوار در عظمت و برتری به جایی رسید که مادر امام زمان^ف شد وی در شرایط سیاسی - اجتماعی سخت و خطرناکی وارد خانه امامت شد.

۳-۱. نقش سیاسی - اجتماعی عصر بانو نرجس:

مادر امام زمان^ف، نرجس^ن در شرایط سیاسی - اجتماعی سخت و خطرناکی وارد خانه امامت شد. احساس خطر تولد و یا حضور آخرین امام شیعیان در خانه امام حسن عسکری^ق عباسیان را بر آن داشت که جاسوسان بسیاری در اطراف و درون خانه امام قرار دهند و فشارهای روانی بیشتری بر اهل بیت وارد سازند.

در ماجرای بازداشت های امام حسن عسکری^ق و فضای اختناق آمیز سامراء در آن زمان و نیز نگرانی های مادرانه در مورد حفظ جان حضرت مهدی^ف و دوری و فراق از او به خاطر مصلحت بالاتر - یعنی حفظ جان آن مولود، پس از آنکه به همراه مادر امام حسن عسکری^ق

به مکه فرستاده شد - می توان نقش نرجس^{۱۱} را مشاهده نمود. او هنگام شهادت امام حسن - عسکری^{۱۲} در سامراء و نزد امام^{۱۳} بود و رفتار آزاردهنده مأموران دستگاه خلافت را می دید و به یقین، اسراری از اهل بیت در سینه نگاه داشته بود.

حضرت به خانه امام^{۱۴} هجوم آوردند و منزل را بازرسی و سپس مهرو موم کردند. امام^{۱۵} از غفلت آنان استفاده کرد و از منزل خارج شد. آنان نرجس خاتون^{۱۶} مادر حضرت مهدی^{۱۷} را دستگیر کردند و برای بازجویی نزد مأموران بردند تا درباره کودک از او سؤال کنند، نرجس برای حفظ جان امام زمان^{۱۸} ادعای بارداری کرد و بازداشت شد. البته بنا بر برخی گزارشها، طراح اصلی این حرکت حدیث بود و نرجس^{۱۹} با صلاح دید وی آن را اجرا نمود. پس از دستگیری نرجس^{۲۰} مدت دو سال تحت نظر قرار گرفت. در این دوران که تحت مراقبت عباسیان و در خانه معتمد خلیفه عباسی بود، به یقین مشکلات زیادی برای او به وجود آمد و این محدودیتها برای نرجس^{۲۱} ناراحت کننده بود.

نرجس^{۲۲} پس از رهایی مدتی در خانه حسن بن جعفر کاتب نوبختی به سر برد و مورد توجه شیعیان قرار گرفت و آوازه صلاح، تقوا و مستجاب الدعوه بودن او در میان شیعیان پیچید. با توجه به کمال عظمت و فضیلت و پاکی وی، خیل عظیم مشتاقان اهل بیت^{۲۳} برای استجاب دعا و رفع گرفتاری و مشکلات خویش به او رجوع می کردند و این موجب سوء ظن عباسیان گردید. از این رو، وی را از دسترس جامعه شیعه دور نمودند. این جریان مصادف با دوران معتمد عباسی بود. وی نیز مانند متوکل مخالف جدی شیعیان بود.

از این رو نرجس خاتون^{۲۴} را از خانه حسن بن جعفر نوبختی بیرون کشید و در قصر خود محبوس نمود تا اینکه در دوران معتمد عباسی، این بانوی گرامی و بافضیلت وفات یافت و در کنار مرقد پاک امام حسن عسکری^{۲۵} و امام هادی^{۲۶} در سامرا به خاک سپرده شد (خرعاملی، بی تا: ج ۳، ۴۱۰).

نتیجه

مادران ائمه اطهار^β در طول تاریخ نقش‌های سیاسی - اجتماعی مهمی داشته‌اند و در کنار وظیفه اولیه خویش - یعنی نقش مادری و همسری - در امور اجتماعی و سیاسی نیز شرکت داشته‌اند. البته بسیاری از نقل‌های مربوط به این بانوان تأثیرگذار اکنون در دست نیست و تنها با اشارات باقی مانده در منابع دست اول تاریخی و روایی، می‌توان به تبیین این نقش‌ها پرداخت. در یک نگاه کلی، مادران ائمه اطهار^β به دو بخش عرب و غیر عرب و یا به دو بخش حرّه (آزاد) و کنیز تقسیم می‌شوند که هر یک در جایگاه ویژه خود نقش‌آفرینی داشته‌اند.

از اهداف نگهداری برده‌ها از سوی اهل بیت^β این بود که بردگان و کنیزان در خانه‌ی اهل بیت^β در خفقان سیاسی آن دوران، احادیث و معارف اهل بیت^β را به دیگر شیعیان می‌رساندند. در آن عصر، شیعیان به خاطر مسائل امنیتی، جرأت نزدیک شدن به خانه‌ی ائمه^β را نداشتند؛ چرا که در آن صورت، شناسایی شده و دستگیر می‌شدند. در چنین فضایی، این بردگان و کنیزان اهل بیت^β بودند که به بهانه‌های مختلف مثل خرید و کشاورزی و... به میان مردم می‌رفتند و مطالب و معارف اهل بیت^β را به شیعیان می‌رساندند. البته در این راه، گاه با خطراتی هم مواجه می‌شدند، برخی دیگر از امامان^β به علت وجود خفقان و شرایط سخت حتی یک همسر دائم اختیار نکردند و به بهره‌م مشروران از کنیزان اکتفا نمودند، مانند امام هادی^φ و امام حسن عسکری^φ.

همچنین در شرایط بسیار خفقان‌آور و فضای ضدشیعی دوران عباسیان؛ فضایی که دشمنان اهل بیت^β، علیه ائمه^β و شیعیان ایجاد کرده بودند، خلفای عباسی با شیعیان با خشن‌ترین شیوه‌ها برخورد می‌کردند. بسیاری از شیعیان تحت تعقیب و یا در زندان‌ها تحت شکنجه‌های هولناک بودند. آنان را به بدترین شکل می‌کشتند و برای نابودی نسل شیعیان و علویون تلاش بسیاری می‌کردند. به همین دلیل شیعیان یا مجبور به فرار به کشورهای دیگر از جمله ایران، مصر، مغرب، مجمع الجزایر اندونزی، آندلس و... می‌شدند، یا مجبور به تقیه و

سکوت. در چنین شرایطی امامان معصوم^β چاره‌ای جز ازدواج با کنیزانی پاک و شایسته از سرزمین‌های دیگر نداشتند.

ضمن اینکه در اینجا امامان معصوم^β برای لغو یک پدیده رایج و غیرانسانی در آن روزگار، یعنی برده‌داری، به بهترین شکل با قضیه برخورد کردند. برای تغییر نگرش مردم یک جامعه که سخت اسیر افکار تعصبی، و برتری نژادی عرب بر غیر عربند، چه روشی بهتر از اینکه زنی را به نام کنیز به خانه خود بیاورند و او را تبدیل به برترین بانوی خانه خویش کنند که مادر ائمه اطهار^β شود. ارتقای یکباره جایگاه اجتماعی یک کنیز یعنی خط بطلان کشیدن بر افکار پوچی که قومیت و عربیت را مایه برتری می‌دانست.

به نظر می‌رسد که دلیل ازدواج امامان^β شیعه با کنیزان این بوده است که به مردم آموزش دهند که مهم‌تر از "آزاد" یا "برده" بودن یک انسان، تقوی و پاکدامنی و ایمان و اخلاق اوست.

براساس بیانات خود ائمه^β و نیز به گواهی تاریخ، این مادران، اهل فضل و کمالات و از بهترین زنان دوران خود بوده‌اند.

لازم به ذکر است مقام و منزلت مادران ائمه^β بسیار بالاتر از آنست که بتوانیم در مقوله‌ای از شخصیت بزرگوار آن‌ها تمجید و تکریم نماییم. آن‌ها کسانی بودند که ائمه اطهار^β این شریف‌ترین و بزرگوارترین مخلوقات بشر که سبب خلقت وجودی عالم هستند در دامان پاک آن‌ها به دنیا آمده و در دامان آن‌ها پرورش یافته‌اند.

این بزرگواران به دلیل آنکه میزبانی و مربی مردان الهی و پیشوایان دینی و سیاسی بوده‌اند، در میان دیگر زنان از اهمیت بیشتری برخوردارند. و بررسی و مطالعه شخصیت سیاسی - اجتماعی آنان می‌تواند راهگشای ما در تبیین مباحث زنان باشد.

- اثبات الهداة، حرّ عاملی، محمد بن حسن، قم: علمیه، بی تا.
- الارشاد، مفید، محمد بن نعمان، ترجمه محمدباقر ساعدی، بی جا: انتشارات اسلامیة، ۱۳۸۰.
- اصول کافی، کلینی، ابی جعفر، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، بی جا: انتشارات اسلامیة، ۱۳۷۹.
- اعلام النساء، کحاله، عمر رضا، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۴هـ.ق.
- اعلام الوری، طبرسی، فضل بن حسن، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- انساب الاشراف، البلاذری، احمد بن یحیی، تحقیق: سهیل ذکار و...، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- بحارالانوار، مجلسی، محمد بن باقر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳هـ.ق.
- بصائر الدرجات، الصفار قمی، ابوجعفر محمد بن حسن بن فروخ، کتابخانه آیت الله نجفی، ۱۴۰۴هـ.ق.
- تاریخ الطبری، طبری، محمد بن جریر، ج ۵، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۹۸۳م.
- تاریخ کامل، عزالدین علی بن اثیر، مترجم: محمدحسین روحانی، تهران: اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- تاریخ حبیب السیر، خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین، تهران: خیام، ۱۳۸۰.
- تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء، میرخواند، محمد بن خاوند شاه بن محمود، تهران: اساطیر، ۱۳۸۰.
- تحفه الابرار فی مناقب الائمة الابرار، طبری، حسن بن علی، تحقیق: سید مهدی جهرمی، دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۶.
- جلاء العیون، مجلسی، محمد بن باقر، چاپ اسوه.
- حلیة الابرار، بحرانی، سید هاشم، دارالمکتبه العلمیه، بی تا.
- حیاة الامام علی الهادی، شریف قرشی، محمد باقر، ترجمه سیدحسن اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین قم، ۱۳۷۱.

- الخرايج والجرايح، راوندی، قطب، ترجمه غلامحسن محرمی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
- خصائص الائمة، شریف رضی، تحقیق محمدهادی الامینی، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۰۶ق.
- الدرّ النظیم، الشامی، یوسف بن حاتم، قم: جامعه مدرسین قم، ۱۴۲۰هـ.ق.
- دلائل الامامه، طبری، محمد بن جریر، قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۳هـ.ق.
- ریاحین الشریعه، محلاتی، ذبیح الله، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸.
- زنان مردآفرین، محمدی اشتهدادی، محمد، انتشارات نبوی، ۱۳۷۴.
- زنان نامدار تاریخ اسلامی، بهشتی، احمد، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
- شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، التمیمی المغربي، نعمان بن محمد، تحقیق سیدمحمد حسینی جلالی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
- شریف قرشی، محمد باقر، حیاة الامام موسی بن جعفر، بیروت، دارالبلاغ، بی تا.
- طبقات الکبری، محمد بن سعد، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
- عیون اخبارالرضا، صدوق، ابوجعفر محمدبن موسی بابویه قمی، ترجمه و شرح محمدتقی اصفهانی، تهران: علمیه اسلامی، بی تا.
- الغیبه، طوسی، محمد بن الحسن، تحقیق عبدالله الطهرانی و الشیخ علی احمد ناصح، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
- فصول العشره، مفید، محمدبن نعمان، تحقیق شیخ فارس الحسون، بیروت: دارالمفید، ط. الثانیه، ۱۴۱۴ق.
- الفصول المهمه، المالکی، ابن صباغ، انتشارات اعلمی، ۱۳۷۵.
- کمال الدین و تمام النعمه، صدوق، ابوجعفر محمدبن موسی بابویه قمی، ترجمه محمدباقر کمره ای، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۸.
- مجموعه نفیسه فی تاریخ الائمة، ابن ابی الثلج، قم: مکتبه آیه الله المرعشی، ۱۴۰۶ق.

- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، محمد بن علی، بی جا: ذوی القربی، ۱۹۶۹م.
- نجم الثاقب، طبرسی نوری، میرزا حسین، کتابفروشی علمیه اسلامیہ، بی تا.
- ینابع المودۃ، قندوزی، شیخ سلیمان بن ابراہیم، ترجمۂ سیدمرتضی توسلیان، چاپ بوذر جمہری، بی تا.